

چگونگی نزول دفعی و تدریجی قرآن کریم

یکی از مسائل مهمی که باید مورد بحث قرار گیرد، کیفیت نزول و تجلی قرآن کریم است.



آیت الله جوادی آملي

یکی از مسائل مهمی که باید مورد بحث قرار گیرد، کیفیت نزول و تجلی قرآن کریم است. خدای سبحان در سوره مبارکه «قدر» می‌فرماید که ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم (إنا أنزلناه في ليلة القدر)[۱] و در جای دیگر نزول قرآن را در شبی مبارک می‌داند: (حم* والكتاب المبين إنا أنزلناه في ليلة مباركة إنا كنا منذرين)[۲] جمع این دو آیه و برخی آیات دیگر، نشان می‌دهد که قرآن کریم به صورت دفعی در شب مبارک قدر نازل شده است.

از سوی دیگر، تاریخ مسلم و شأن نزول آیات، نشانگر آن است که قرآن، به صورت تدریجی و طی بیست و سه سال نازل شده است و در خود قرآن نیز آیاتی بر نزول تدریجی اجزای آن تصریح دارند. در آیه کریمه‌ای فرموده است: (وقرأنا فرقناه لتقرأه علي الناس علي مكثٍ ونزلناه تنزيلاً)[۳] یعنی، قرآن را متفرق نازل کردیم تا تو آن را به تدریج دریافت و به تدریج بر مردم تلاوت کنی و در آیه کریمه دیگری، اعتراض کافران را بیان می‌فرماید که می‌گفتند چرا قرآن بر تو، مانند تورات موسی، یک باره نازل نشده است؟ (وقال الذين كفروا لولا نزل عليه القرآن جملة واحدة)[۴]. خدای سبحان در جواب این اعتراض، خطاب به رسول اکرم صلی‌ا... علیه و آله و سلم می‌فرماید: (كذلك لنثبت به فؤادك ورتلناه ترتيلاً)[۵] یعنی نزول تدریجی قرآن، برای تثبیت قلب تو است.

بنابراین، ظاهر آیات قرآنی در مسئله کیفیت نزول قرآن، متفاوت است؛ برخی از آنها بر نزول دفعی و یک باره قرآن و برخی دیگر بر نزول تدریجی و در طول زمان رسالت آن حضرت دلالت دارند. این معنا از نظر قرآن شناسی مسلم است که هرگز اختلاف و تعارضی بین آیات کریمه قرآن وجود ندارد، چه این که خود قرآن در این باره می‌فرماید: (ولو كان من عند غير الله لوجدوا فيه اختلافا كثيرا)[۶] یعنی اگر این قرآن، از نزد غیر خدای سبحان می‌بود، به طور یقین، اختلاف فراوانی بین آیاتش راه می‌یافت ولی از آنجا که از ناحیه ذات اقدس اله است، هیچ گونه تعارض و اختلافی در آن راه ندارد، بلکه هماهنگی و انسجام فوق‌العاده‌ای نیز در سراسر آن به چشم می‌خورد. (الله نزل أحسن الحديث كتاباً متشابهاً مثاني)[۷].

قرآن کریم که تجلی ذات اقدس اله است، بهترین گفتاری است که آیاتش متشابه و مثانی‌اند. با یکدیگر تشابه و هماهنگی و همبستگی دارند، نه تنها اختلاف ندارند، بلکه مکمل و تمام‌کننده یکدیگرند. برای هر یک از دو دسته آیات یادشده محملی است که با محمل دیگر هماهنگ است، برای تبیین انسجام بین آیات مزبور می‌توان چنین گفت: قرآن کریم دو نزول داشته که یکی به صورت دفعی انجام گرفته است و دیگری به صورت تدریجی، و هر دسته از آیات مورد اشاره نیز دلالت بر یکی از این دو گونه نزول دارند.

نقد یک نظر

برخی برای جمع کردن میان این دو دسته از آیات، گفته‌اند: قرآن کریم تنها یک نزول تدریجی داشته و آیاتی که دلالت بر نزول قرآن در شب مبارک قدر دارند، مربوط به آغاز نزول قرآن است که در شب قدر صورت گرفته است؛ زیرا شروع کارهای مهم و متدرّج، مبدأ تحقق آن به حساب می‌آید، پس به لحاظ مبدأ نزول گفته شده که قرآن در شب قدر نازل شده است. این سخن با ظاهر قرآن سازگاری ندارد؛ زیرا ظاهر آنجا که فرمود (إنا أنزلناه في ليلة القدر)[۸] و نیز در سوره مبارکه «دخان»، که نخست به قرآن و کتاب مبین قسم می‌خورد و سپس می‌فرماید: ما آن را در شب مبارکی نازل کردیم، مجموع قرآن مقصود است نه بخشی از آن. علاوه بر این که خود قرآن می‌فرماید: نزول قرآن در ماه مبارک رمضان صورت گرفته است: (شهر رمضان الذي أنزل فيه القرآن)[۹] و چون شب قدر هم در ماه مبارک رمضان است پس اگر منظور، اولین نزول قرآن باشد نه همه آن، آغاز رسالت باید در ماه رمضان باشد؛ در حالی که تاریخ مسلم امامیه بر آن است که بعثت آن حضرت در ماه رجب واقع شده است. و اگر منظور، آغاز نزول وحی نباشد، اختصاصی برای شب مبارک و ليلة القدر نیست؛ زیرا هر بخشی از قرآن در زمانی خاص نازل شده است. بنابراین، ماه مبارک و شب مبارک، ظرف نزول تمام قرآن است نه خصوص آیات آغازین آن وگرنه باید مبداء رسالت، ماه مبارک رمضان باشد نه ماه اصتب رجب و نه بخشی از مجموع قرآن؛ زیرا در آن صورت، میان ماه رمضان و غیر آن فرقی نمی‌بود[۱۰].

استاد علامه طباطبایی(قدس سره) در تفسیر وزین «المیزان» فرموده‌اند: قرآن کریم در دو مرتبه نازل شده؛ مرتبه‌ای از آن بسیط و یکپارچه و مصون از تغییر است و مرتبه دیگری به صورت تفصیلی و غیر بسیط است و صلاحیت تغییر و تحول به گونه ناسخ و منسوخ و مانند آن را دارد. آنچه در شب مبارک قدر بر قلب مطهر رسول اکرم صلی‌ا... علیه و آله و سلم نازل شده، همان مرتبه بسیط قرآن است و آنچه طی دوران رسالت بر آن حضرت صلی‌ا... علیه و آله و سلم نازل شده، همان مرتبه تفصیلی و غیر بسیط است که با

ناسخ و منسوخ همراه است [۱۱]. این تحقیق ایشان اگرچه با بعضی از شواهد قرآنی و روایی، قابل تطبیق است، لیکن باید عنایت کرد که نزول قرآن کریم در شب قدر نمی‌تواند به صورت بسیط محض باشد؛ زیرا به فرموده خود قرآن، شب قدر شبی است که هر امر حکیم و یکپارچه‌ای تفریق و تفصیل می‌یابد (فیها یفرق کل أمر حکیم) [۱۲] شب قدر، شب تقدیر و اندازه‌گیری و گسترش است و چنین شبی با آن مرتبه از قرآن که بسیط محض است تناسبی ندارد، و قرآن، مانند امور دیگر، هم دارای مرحله «؛حکیم» بسیط، واحد، ثابت و مانند آن است و هم دارای مرحله «؛تفریق» ترکیب، تکثیر تدریج و نظیر آن. آنچه در شب مبارک قدر نازل می‌شود باید مناسب با تفریق باشد نه جمع، چون در آن شب هر چیز حکیم و جمع، به صورت تفریق ارائه می‌شود.

نزول اجمالی در عین کشف تفصیلی

پیش از این گفته شد که قرآن کریم دارای سه مرتبه عالی، متوسط و نازل است، مرتبه عالی قرآن همان ام الکتاب و کتاب مکنونی است که در مقام لدن و نزد ذات اقدس اله می‌باشد؛ مرتبه متوسط قرآن همان است که در دست فرشتگان مقرب است، و مرتبه نازل آن هم عین قرآنی است که لازمه‌اش الفاظ و مفاهیم است و به صورت عربی مبین تنزل یافته و جامعه انسانی در خدمت آن است. مرتبه نازله قرآن به صورت تفصیلی و طی سالیانی نازل شده و این نزول هم نزولی تدریجی است که در این قسمت بحثی نیست. رسول اکرم صلی... علیه و آله و سلم در مرتبه عالی، قرآن را با مرتبه عالی قلب دریافت کرده‌اند و در مرتبه نازله، قرآن را با سمع و بصر قلب گرفته‌اند و در شب قدر، با مرتبه متوسطه قلب. مرتبه عالی قرآن که در مقام لدن جای دارد، حقیقتی بسیط و محض است که هیچ گونه کثرت و تفصیلی در آن راه ندارد و نزول آن مرتبه، بر وجود مبارک رسول گرامی اسلام صلی... علیه و آله و سلم در شب معراج و بدون واسطه فرشتگان و به صورت مستقیم رخ داده است و چنانکه پیش از این گفته شد، حضرت رسول اکرم صلی... علیه و آله و سلم در مقامی حقیقت مکنون قرآن را از ذات اقدس اله تلقی کردند که فرشته مقرب و جبرئیل امین گفت: «؛لو دنوت أُمْلَةً لاحترقت» [۱۳]. مقام «؛لدن» مقام قضای الهی است و همان مرتبه بسیط محض قرآن که حضرت رسول صلی... علیه و آله و سلم آن را در مقام رفیع و بلند و بدون واسطه دریافت کردند؛ قرآن در شب قدر، که هر قضایی در آن «؛قدر» می‌شود، توسط جبرئیل که روح امین است بر قلب مطهر پیامبر صلی... علیه و آله و سلم نازل شد: (تَزَلُّ به الروح الامین* علی قلبک لتکون من المنذرين) [۱۴] البته در این مرحله، مرتبه بسیط محض قرآن، از بساطت محض مقام «؛لدن» خارج شده است و نوعی تفصیل یافته که متناسب با شب قدری است که هر محکمی در آن تفصیل می‌یابد: (فیها یفرق کل أمر حکیم) [۱۵]. بنابراین، آنچه در شب مبارک قدر نازل شده، مرتبه متوسطی است بین مرتبه عالی بسیط و مرتبه نازل تفصیلی آن. و از این جهت، چون بسیط است با نزول دفعی در شب قدر متناسب است و چون بسیط محض نیست و نوعی تفصیل در آن وجود دارد، با تقدیری بودن شب قدر و تفریق تناسب دارد [۱۶].

پاسخ به یک اشکال

با این بیان، ابهام و اشکال دیگری نیز حل می‌شود که اگر شب قدر، شب اندازه‌گیری است و لازمه‌اش عدم بساطت قرآن است پس چرا از کلمه «؛انزال» استفاده شده است؟ ماده «؛نزل» اگر به باب افعال برود، می‌شود «؛انزال» و استعمال آن بدون قرینه در امور دفعی است نه تدریجی و تفصیلی. و اگر این ماده به باب تفعیل برود، می‌شود «؛تنزیل» و استعمال آن در امور تدریجی و تفصیلی است نه دفعی و یکپارچه و بسیط؛ مگر با شاهد و قرینه. در آیاتی که نزول قرآن را در شب قدر بیان می‌دارد از کلمه «؛انزال» استفاده شده نه «؛تنزیل» و این خود مانعی برای اثبات نزول دفعی قرآن در شب قدر است؛ زیرا اگرچه کلمه «؛انزال» با نزول دفعی سازگاری دارد و متناسب است ولی با تقدیری بودن و تفصیلی بودن شب قدر سازگاری ندارد. رفع این مشکل، با بیان گذشته روشن می‌شود که گرچه قرآن نازل شده در شب قدر، امری بسیط و یکپارچه است ولی در عین بساطت و اجمالی که دارد، واجد نوعی تفصیل نیز هست که هماهنگ با تقدیری بودن شب قدر است و کلمه «؛انزال» اگر در این باره نازل شده است، از جهت بساطت قرآن در این شب است. شاید آنچه در این باره رسیده است که همه قرآن در ماه مبارک و شب قدر یک جا نازل شده ناظر به همین معنا باشد، نه مانند الواح موسی (علیه السلام)، که به صورت کتاب دفعی و مدوّن معنوی (نه صوری) بر رسول اکرم صلی... علیه و آله و سلم نازل شده باشد. چون چنین نزول دفعی با حکمت تدریجی بودن آن که در برخی آیات بازگو شد، هماهنگ نیست. البته نزول دفعی آن به این معنا امتناع عقلی ندارد. لیکن در این حال آن حکمت یاد شده ناظر به حال امت اسلامی خواهد بود، نه به لحاظ شخص رسول اکرم صلی... علیه و آله و سلم.

[۱] - سوره قدر، آیه ۱ [۲] - سوره دخان، آیات ۳ - ۱ [۳] - سوره اِسرائ، آیه ۱۰۶ [۴] - سوره فرقان، آیه ۳۲ [۵] - سوره فرقان، آیه ۳۲ [۶] - سوره نساء، آیه ۸۲ [۷] - سوره زمر، آیه ۲۳ [۸] - سوره قدر، آیه ۱ [۹] - سوره بقره، آیه ۱۸۵ [۱۰] - برای تحقیق بیشتر، رک: تفسیر تسنیم، ذیل آیه ۱۸۵ سوره بقره. [۱۱] - المیزان، ج ۲، ص ۱۸ - ۱۵ [۱۲] - سوره دخان، آیه ۴ [۱۳] - بحار، ج ۱۸، ص ۳۸۲ [۱۴] - سوره شعراء، آیات ۱۹۳ و ۱۹۴ [۱۵] - سوره دخان، آیه ۴ [۱۶] - شاید بتوان این مطلب را از بحث استاد علامه (رض) درباره آیه اول سوره هود استفاده کرد.